

اخلاق سیاسی از منظر قرآن کریم

دکتر عنایت الله شریفی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده:

یکی از ابعاد نظام اخلاقی قرآن کریم، اخلاق سیاسی می‌باشد و آن مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است که بر رفتار سیاسی انسان تأثیرگذار است. که در مواردی بیانگر وظایف متقابل مردم و دولتمردان است و می‌توان آن را «اخلاق سیاست» یا «اخلاق زمامداری» نامید و گاهی نیز بیانگر وظایف اخلاقی امت اسلام نسبت به سایر ملت‌ها می‌باشد که آن را «اخلاق بین‌المللی» گویند. در اخلاق سیاست، مردم موظفند با رهبری دولت اسلامی بیعت نمایند و به عهد و پیمان وفادار باشند و از او اطاعت و حمایت کنند، وحدت و یکپارچگی را حفظ نمایند. دولتمردان موظفند برای ثبات و استقلال حکومت و نظام اسلامی تلاش نمایند و نسبت به مردم مهربان باشند، با عدالت رفتار نمایند، امانت دار باشند و با آنان در مسایل مهم سیاسی مشورت نمایند. در اخلاق بین‌المللی، در صورتی که غیر مسلمانان با مسلمانان در جنگ نباشند که آنان را «غیر محارب» گویند، مسلمانان موظفند عزت نفس و سیادت‌شان را حفظ کنند و آنان را به اسلام دعوت و حقوقشان را محترم شمارند و در صورتی که آنان در صدد براندازی دین اسلام و حکومت اسلامی باشند که آنان را «محارب» گویند، مسلمانان موظفند از خودشان دفاع نمایند در جنگ با آنان ثابت قدم و پایدار باشند و به افراد بی‌طرف، کودکان، پیرمردان و پیرزنان تعرضی نداشته باشند و پیشنهاد صلح را در صورتی که مکر و حيله‌ای در کار نباشد، بپذیرند.

کلید واژه: اخلاق سیاسی، اخلاق قرآنی، اخلاق، سیاست، قرآن، اخلاق سیاست، اخلاق بین‌المللی.

مقدمه

مجموعه دستورات و معارف قرآن کریم در سه بخش اصول عقاید، احکام فقهی و عملی و اخلاق خلاصه می‌شوند. اصول عقاید باید با ارائه دلیل و برهان منطقی مورد پذیرش وجدان قرار گیرد در قوانین و مقررات فقهی و عملی هر مسلمانی باید یا خود مجتهد باشد یا از مجتهد اعلم تقلید و یا عمل به احتیاط نماید. بخش اخلاق، مهم‌ترین بخش دستورات عملی و اجتماعی انسان است که خدای تعالی در آیات فراوانی به آن تأکید نموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ (اعلیٰ) (۸۷)، آیات ۱۴-۱۵؛ به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد) رستگار شد و (آن کس) نام پروردگارش را یاد کرد و سپس نماز خواند».

در این آیه اخلاق-تزکیه-مقدم بر اصول عقاید-یاد خدا- و احکام فقهی و عملی- نماز- شده است و بیان‌گر این معناست که اگر تزکیه نفس و پاکی دل و صفای روح در پرتو فضایل اخلاقی نباشد، نه ذکر خدا و اصول عقاید به جایی می‌رسد و نه نماز و احکام فقهی، روحانیتی به بار می‌آورد.

در آیه دیگر، پس از یازده سوگند مهم به خالق، مخلوق زمین، آسمان و ماه، خورشید و نفس انسانی، نجات و رستگاری انسان را در تهذیب نفس و تزکیه می‌داند. هر کس که نفس خود را تزکیه کرد رستگار شد و آن کس که نفس خود را به معصیت آلوده ساخت نومید و محروم گشت» (شمس (۹۱)، آیات ۹-۱۰).

نظام اخلاقی قرآن کریم دارای قلمرو بسیار وسیعی است که در باره تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و... انسان دستورالعمل دارد که در این مقاله به «اخلاق سیاسی» آن می‌پردازیم.

تعریف اخلاق و اخلاق سیاسی

اخلاق جمع خُلق که برخی از اهل لغت، آن را به معنای نیرو و سرشت باطنی دانسته که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک باشد در برابر خلق که به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود.^۱ و برخی دیگر، آن را به معنای صفات نفسانی راسخ و پایدار می‌دانند که انسان افعال متناسب با آنها را بی‌درنگ و بدون تأمل انجام می‌دهد. مانند شجاعت، کسی که دارای خُلق شجاعت است در رویارویی با دشمن تردیدی به خود راه نمی‌دهد.^۲ در اصطلاح از نظر مشهور عالمان اخلاق، همان معنای دوم یعنی صفات نفسانی راسخ و پایدار می‌باشد.^۳

اخلاق سیاسی، عبارت است از بایدها و نبایدهایی که در رفتار سیاسی انسان تأثیرگذار

است، که گاهی بیانگر وظایف متقابل دولتمردان و مردم می‌باشد که می‌توان آن را «اخلاق سیاست» یا «اخلاق زمامداری» نامید و گاهی بیانگر وظایف اخلاقی مسلمانان نسبت به غیر مسلمانان و کافران می‌باشد که آن را «اخلاق بین‌المللی» گویند. براین اساس اخلاق سیاسی را می‌توان در دو بخش ۱- اخلاق سیاست (زمامداری) ۲- اخلاق بین‌المللی تقسیم نمود.

دراین پژوهش سعی بر این است که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱- آیا در نظام اخلاقی قرآن کریم، اخلاق و سیاست باهم رابطه دارند؟
 ۲- قرآن کریم چه وظایف اخلاقی برای مردم نسبت به رهبر و دولت اسلامی بیان کرده است؟

۳- در اخلاق سیاسی قرآن کریم، دولتمردان نسبت به مردم چه وظایفی دارد؟

۴- قرآن کریم چه وظایفی را برای مسلمانان نسبت به غیر مسلمانان و کافرانی که در حال تضاد و جنگ با آنها هستند (محارب)، مشخص و معین نموده است؟

۵- از نظر قرآن کریم، مسلمانان نسبت به غیر مسلمانان و کافرانی که در حال تضاد و جنگ با آنها نیستند (غیر محارب)، چه وظایفی دارند؟

رابطه اخلاق و سیاست از نظر قرآن کریم به نظر می‌رسد ضرورت دارد در ابتدا از آنجا که «اخلاق سیاسی» مبتنی بر بحث «رابطه اخلاق و سیاست» می‌باشد، آن را مورد بحث و بررسی قرار دهیم:

بحث «رابطه اخلاق و سیاست» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان سیاسی و اخلاقی، در طول تاریخ بوده است. نظرات متعدد و متنوعی در این باره ارائه شده است. برخی همانند ماکیاولی براین باورند که قلمرو اخلاق از قلمرو سیاست جداست و پابندی به اخلاق در عرصه سیاسی، نتیجه‌ای جز شکست و نابودی در پی ندارد. از این رو به شه‌یاران و حاکمان توصیه می‌کند که در عالم سیاست هرگز نباید به فکر پرهیزگاری و ارزش‌های اخلاقی باشند و در کتاب «شه‌یار» می‌نویسد:

«شه‌یار و سلطان باید به دروغ خود را آنگونه نشان دهد که مردم می‌پسندند و لازم نیست واقعاً به آن صفات متصف باشد»^۴. برخی دیگر اعتقاد به اصالت سیاست و تبعیت اخلاق از سیاست دارند، براساس این نظریه، همه رفتارهای اخلاقی، اعم از فردی و اجتماعی تحت سیطره و سیادت سیاست است و ارزش‌های اخلاقی در این دیدگاه، صرفاً جنبه ابزاری دارند، یعنی تا آنجا ارزشمند و خوبند که ما را به اهداف سیاسی برسانند و گرنه هیچ ارزشی ندارند. این نظریه در عمل و نظر مورد حمایت بسیاری از سیاستمداران جهان واقع شده است. لنین، از رهبران مارکسیسم می‌گفت: «اخلاق ما از منافع مبارزه طبقاتی پرولتاریا به دست می‌آید»^۵. «هنگامی که مردم از ما درباره اخلاق سؤال می‌کنند می‌گوییم که برای یک کمونیست، کل

اخلاق در رابطه با آن نظم و دیسیپلین آهنین و در مبارزه آگاهانه علیه استثمار معنا می‌یابد^۶. و یا در کتاب «پروتکل‌های حکمای یهود» آمده است: «اخلاق و سیاست جمع نمی‌شوند، بنابراین حاکمی که خویش را مقید و پایبند به دستورات اخلاقی می‌داند، در واقع مغز سیاسی ندارد و هرگز حکومتش پایدار نمی‌ماند»^۷.

قرآن کریم که کتاب زندگی هر انسان مسلمان است، اعتقاد به «سیاست اخلاقی» و اصالت اخلاق و تبعیت سیاست از اخلاق دارد براساس این دیدگاه معیارهای اخلاقی در همه جا و برای همه، افراد اعم از زمامداران و شهروندان عادی یکسان است. هر چیزی که برای افراد عادی، فضیلت به حساب می‌آید برای دولتمردان نیز فضیلت است و هر چیزی که برای دولتمردان زشت و نکوهیده است برای افراد عادی و در زندگی عادی نیز زشت است. وظایف اخلاقی متقابل دولتمردان و مردم (اخلاق سیاست) و وظایف اخلاقی مسلمانان با غیر مسلمانان و کافران براساس این نظریه تبیین نموده است که در اینجا به آنها اشاره می‌گردد:

۱- اخلاق سیاست (زمامداری)

الف - وظایف اخلاقی مردم نسبت به رهبر و دولت اسلامی
بیعت با رهبری و پیمان ناشکنی با او و اطاعت از او:

در اخلاق سیاسی قرآن، نخستین هم‌گرایی و تعامل حقیقی مابین مردم و حکومت بیعت و اطاعت است.

واژه بیعت برگرفته از ماده بیع به معنای داد و ستد است و در وجه نام گذاری آن گفته‌اند: «گویا یکی از طرفین بیعت آنچه پیش خود دارد با طرف مقابل معامله نموده»^۸. قرآن کریم همگان را به این حقیقت راهنمایی فرموده است که آنچه وحدت پایدار و سعادت جاویدان را برای جامعه بشری به ارمغان می‌آورد و آنچه مردم را در هنگام ناامیدی و ناتوانی، امیدوار و استوار می‌سازد و موفقیت و پیروزی را برای آنان به ارمغان می‌آورد، بیعت و فرمانبرداری کامل از پیامبر و رهبران اسلامی است:

«اطاعت از خدا و رسولش نمایید و نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت [وهیبت] خویش را از دست می‌دهید» (انفال (۸)، آیه ۴۶).

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را؛ و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را، و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و رسول خدا بازگردانید (و از آنها دوری بطلید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این کار برای شما بهتر، و عاقبت و پاداش نیکوتر است» (نساء (۴)، آیه ۵۹).

علی - علیه السلام - فرمود: «و لی علیکم الطاعة؛ حق من بر شماست که مرا اطاعت نمایید.»

اهمیت این مسئله تا آنجاست که خدای تعالی در قرآن کریم، بیعت با رهبری جامعه اسلامی را، در حقیقت بیعت با خود دانسته و به افرادی که با پیمان شکنی و نقض عهد با رهبری، جامعه اسلامی را به آشوب و فتنه می‌کشاند هشدار می‌دهد:

«کسانی که با تو بیعت می‌کنند (درحقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زبان خود پیمان شکسته است و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته است وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد» (فتح (۴۸)، آیه ۱۰).

۲- حفظ وحدت و یکپارچگی:

پیروی از خدا و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و رهبری اسلامی، مسلمانان را از خلف‌کاری‌ها و اختلافات و دودستگی‌ها نجات می‌دهد؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«وهمگی به ریسمان محکم الهی، چنگ زیند و پراکنده نشوید» (آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳).

و در آیه دیگر می‌فرماید:

از مشرکان نباشید، کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و (عجب این که) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دل بسته و) خوشحالند (روم (۳۰) آیات ۳۱-۳۲).

این وحدت زمانی پایدار می‌ماند که در هنگام خطر و بروز اختلافات نظر، که مسلمانان در جامعه اسلامی، وحدت و انسجام خود را به نمایش گذارند و از نفوذ دشمن در صفوف مسلمانان جلوگیری کنند.

۳- حمایت مالی از رهبری و دولت اسلامی

رهبری جامعه اسلامی به دلیل ارتباط با گروه‌های مختلف مردم، بیش از دیگران از نیازمندی‌های آنان آگاهی دارد و با مشکلات اجتماعی و کمبودهای آنان آشنا هست، از سوی دیگر، او حفظ نظام اسلامی، اصلاح جامعه و رفع محرومیت از تمامی مسلمانان را، مهم‌ترین وظیفه خود می‌داند و در این جهت با دلسوزی کامل و رعایت عدالت بیشترین سعی و تلاش خویش را انجام می‌دهد به همین دلیل خداوند دستور می‌دهد که خمس و زکات و بخشی از درآمدها و غنایم به دست آمده از جنگ‌ها، در اختیار پیامبر اسلام و رهبری جامعه اسلامی قرار گیرد تا به کمک آن دین خدا را یاری کنند و مشکلات یتیمان

و بینوایان را حل سازند:

«آنچه را خداوند از اهل آبادی‌ها به رسولش بازگرداند از آن خدا و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا [این اموال] دست به دست میان ثروتمندان شما نگردد» (حشر (۵۹)، آیه ۷).

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و از آن خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا ایمان آورده‌اید» (انفال (۸)، آیه ۴۱)؛ آیه ۴۱).

۴- ادب و تواضع در برابر پیامبر و رهبری جامعه اسلامی

رعایت ادب در برابر پیامبر و رهبری جامعه اسلامی، افزون بر این که از عظمت، عزت و اقتدار رهبری و حکومت اسلامی نزد دوست و دشمن آشکار می‌گردد. به گونه‌ای که پیشی نگرفتن در هنگام سخن گفتن و تصمیم‌گیری و شتاب نکردن در هنگام اظهار نظر و موضع‌گیری‌ها، شرایط بهره‌مندی از کلمات پیامبری و رهبری را فراهم می‌کند. به همین دلیل خداوند می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزی را بر خدا و پیامبرش مقدم نشمرید و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را فراتر از صدای پیامبر بلند نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید، آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد، در حالی که نمی‌دانید» (حجرات (۴۹)، آیات ۱-۲).

۵- آمادگی نظامی و دفاعی:

یکی از وظایف اخلاقی یکایک مسلمانان آمادگی رزمی و دفاعی در برابر تهاجم نظامی و توطئه‌های گوناگون و فتنه‌انگیزی دشمنان می‌باشد. تا افزون بر نمایش قدرت و عظمت خود به دشمنان، سرزمین خویش را از دشمنان بیگانه پاکسازی نموده و ذلت و ناآرامی تحمیل شده از سوی دشمنان را به عزت و امنیت تبدیل نمایند و شرایط عبادت خدا و اصلاح اجتماع را فراهم نمایند به همین دلیل قرآن کریم می‌فرماید:

«هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید و همچنین اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا بوسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید، همچنین گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید، و خدا آنها را می‌شناسد و هر چه در راه

خدا (و تقویت بنیه دفاعی) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانیده می شود و به شما ستم نخواهد شد» (انفال (۸)، آیه ۶۰).

و در آیه دیگر درباره جلوگیری از نابودی مساجد و عبادتگاهها می فرماید: «اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعهها و کلیساهای و کنیسهها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می شود، ویران می شد» (حج (۲۲)، آیه ۴۰).

۶- دوری از دوستی با دشمنان و تعامل با آنها:

از مهم ترین وظایف مردم در جامعه اسلامی این است که با دشمنان خدا، دشمنان دین خدا و دشمنان رهبری و پیامبر رابطه و دوستی برقرار نکنند و با آنها دادوستد و تعاملی نداشته باشند:

«ای کسانی که ایمان آوردهاید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، شما نسبت به آنها اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را بخاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودی من هجرت کرده اید؛ (پیوند دوستی با آنها برقرار نسازید) شما مخفیانه با آنها رابطه برقرار می سازید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه داناترم و هر کس از شما چنین کاری انجام دهد، از راه راست منحرف شده است» (ممتحنه (۶۰)، آیه ۱).

و در آیه دیگر می فرماید:

«هیچ قومی که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان شان باشند» (مجادله (۵۸)؛ آیه ۲۲).

۷- مشارکت سیاسی:

از وظایف یکایک امت اسلامی آن است که به گونه ای به ندای رهبری اسلامی پاسخ داده و در کارهای مهم عبادی، اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند این مشارکت می تواند از راه پذیرش مسئولیت، حضور در احزاب و تشکلهای و شرکت در جنگ و جهاد، انتخابات، نماز جمعه، راه پیماییها و..... باشد. به همین دلیل قرآن کریم، یکی از ویژگیهای مؤمنان را، پیروی از فرمان رهبری در انضباط اجتماعی می داند:

«مؤمنان کسانی هستند که ایمان به خدا و رسولش آورده اند، و هنگامی که در کار مهمی

با او باشند، بدون اجازه او نمی‌روند» (نور (۲۴)، آیه ۶۲).

امام صادق - علیه السلام - درباره مشارکت از نوع پذیرش مسئولیت می‌فرماید: «هرگاه حکمران شخص عادل باشد، قبول ولایت برای او و یاری نمودن او حلال و جایز است و می‌توان از این راه کسب و ارتزاق نمود.... هر کس در تقویت نمودن سلطان عادل بکوشد و او را یاری دهد در فرمانبرداری از خدا کوشیده است و دین او را تقویت نموده است.»^{۱۰} حضور در احزاب و تشکل‌های سیاسی و همکاری با آنان در صورتی سودمند است که عقاید، اهداف، برنامه‌ها و رویکرد آنها روشن و در راستای مصالح دینی و مردمی باشد. امام صادق - علیه السلام - خطاب به جوانان می‌فرماید: «یا معشر الاحداث اتقوا الله و لا تأتوا الرئسا دعوههم حتی یصيروا اذنا بآی گروه جوانان، تقوای الهی پیشه کنید و پیش رؤسا (ی‌ظالم) نروید، آنان را به خود واگذارید، تا پیرو حق و عدالت گردند.»

امام سجاد - علیه السلام - در نصیحت به شخص درس خوانده ولی فاقد بصیرت که در خدمت ستمکاران زمان خود قرار گرفته بود فرمود: «آنان تو را قطب و محور خود قرار داده‌اند که با آن آسیاب ستمکاری خود را بچرخانند و از تو پلی ساخته‌اند که بر روی آن عبور کرده، به امور مصیبت بار خود برسند و تو را نردبان گمراهی و ضلالت خود قرار داده‌اند.... چقدر ناچیز است اجر و مزدی که به تو می‌دهند در مقابل آنچه از تو می‌ستانند»^{۱۱}

ب: وظایف اخلاقی حاکم و دولت اسلامی در قبال حکومت و مردم:

۱- تلاش برای استقرار و استقلال نظام و حکومت اسلامی:

یکی از مهم‌ترین وظایف حاکم و دولت اسلامی، استقرار و استقلال حکومت اسلامی می‌باشد. وی موظف است تمام توان و قدرتش را در این زمینه به کار گرفته و از نفوذ و هجوم بیگانگان جلوگیری نماید و هوشیاری و تدابیر لازم را داشته باشد و در صورت بروز فتنه و جنگ، با محاربان و مخالفان، برخورد جدی نماید، قرآن کریم به افرادی که با خدا و رهبری جامعه اسلامی به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین و به جان، مال و ناموس مردم تجاوز می‌کنند، هشدار داده و تهدید به اعدام و تبعید می‌کند:

«کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند، یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود، و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت مجازات عظیم دارند» (مائده (۵)، آیات ۳۳-۳۴).

۲- مردم دوستی:

یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران و کارگزاران دولت اسلامی نسبت به مردم، محبت و مردم دوستی است که این دوست داشتن در امور مانند رأفت و مهربانی، خدمت به مردم، احترام و تکریم، سعه صدر و مشورت با آنان نمود می‌یابد. این امر، یک وظیفه و دستور دینی است تا آنجا اهمیت دارد که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که

« وبال (عطوفت) خود را برای مؤمنان فرو گستر » حجر (۱۵)، آیه ۸۸.

در آیه دیگری همه رمز موفقیت و پیروزی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - را در محبت و مهربانی به مردم می‌داند:

« به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (=مردم) نرم (ومهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند، پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش! و بر خدا توکل کن! زیرا خدا متوکلان را دوست دارد » (آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹).

امام علی - علیه السلام - در نامه تاریخی خود به مالک اشتر می‌نویسد:

« و اشعر قلبک الرحمة للرعية والمحبة لهم والطف بهم ولا تكونن علیهم سبعا ضاربا! »

مهربانی با مردم را پوشش قلب خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش مبدا چون گرگ شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت بدانی.

۳- عدالت ورزی:

عالمان اخلاق، عدالت را به دو معنای عام و خاص می‌دانند، عدالت به معنای عام عبارت است از پیدایش ملکه در نفس که انسان می‌تواند به مدد آن همه صفات و افعال خود را تعدیل کند و قوای گوناگون خود (عاقله، عامله، غضبیه و شهوتیه) را از نزاع با یکدیگر حفظ نماید و آنها را از تعدی، افراط و تفریط باز دارد. و عدالت به معنای خاص عبارت است از باز داشتن خود از ستم به مردم و پایمال نمودن حق آنان^{۱۴}، عدالت به این معنا بیش از همه در مورد کارگزاران حکومتی مورد تاکید است و می‌توان گفت بیشترین آیات و روایات در بیان اهمیت عدالت و عدالت ورزی وارد شده اشاره به همان معناست: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» (نحل (۱۶)، آیه ۹۰)؛ خداوند به عدل و نیکو کاری فرمان می‌دهد. و در آیه دیگری می‌فرماید:

« و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید » (نساء (۴)، آیه ۵۸).

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود:

« عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة قیام لیلها و صیام نهارها^{۱۵}؛ یک ساعت عدالت ورزی از عبادت هفتاد سال که شب‌های آن به نماز گذاردن و روزهایش به روزه داری سپری شود برتر است. »

اهتمام به عدالت باید تا بدانجا باشد که حتی در نحوه گفتار و احترامات رایج میان ارباب رجوع تفاوتی نهند امام علی - علیه السلام - در نامه‌ای به یکی از کارگزاران می‌نویسد:

«واس بینهم فی الحظۀ و النظرة و الاشارة و التحیة حتی لا یطمع العظماء فی حیفک و لا یتأس الضعفاء من عدلک»^{۱۶}؛ در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زور ماندن در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند.

لازم به ذکر است که از مصادیق عدل ورزی به معنای دوم، رعایت اصل شایسته سالاری در گزینش و عزل و نصب افراد است.

۴- امانت داری:

امانت داری که در بیشتر موارد از تقوا و خدا باوری سرچشمه می‌گیرد از صفات زیبای اخلاقی است و در اخلاق سیاسی دارای معنای وسیعی است و در امور مهمی مانند: اموال دولتی، بیت المال و اسرار نظام و کشور از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل قرآن کریم می‌فرماید:

«خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند اندرزهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند شنوا و بیناست» (نساء (۴)، آیه ۵۸).

ارزش و اهمیت امانت‌داری به حدی است که امام سجاد - علیه السلام - خطاب به شیعیان فرمود: «بر شما باد به ادای امانت، سوگند به خدایی که محمد - صلی الله علیه و آله - را بر اساس حق و حقیقت پیامبر قرار داد اگر کشنده پدرم حسین - علیه السلام - مرا امانت دار شمشیری قرار دهد که با آن ایشان را به شهادت رساند، امانت وی را به او ادا می‌کنم.»^{۱۷}

در سخنی از امام علی - علیه السلام - آمده است:

«و إن اعظم الخیانة، خیانة الامة»^{۱۸}؛ بزرگ‌ترین خیانت‌ها، خیانت به امت است.

۵- مشورت با مردم و پرهیز از استبداد در تصمیم‌گیری:

این مسئله در نظام اخلاقی قرآن کریم از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند به پیامبر اکرم را، که عقل کل است و از هر گونه خطا و لغزشی معصوم است، امر به مشورت و نظرخواهی از مردم کرده است:

«به (برکت) رحمت الهی در برابر آنان [مردم] نرم شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، از طرف تو پراکنده می‌شدند. پس آنان را ببخش و برای آنان آموزش بطلب؛ و در کارها، با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن، زیرا خدا متوکلان را دوست دارد» (آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹).

امام علی - علیه السلام - در این باره در خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «و لا تقولن انی

مؤمر آمر فاطاع فان ذلك ادغال فی القلب و منهكهُ للدين و تقرب من الغير^{۱۹}؛ مبادا [به مردم] بگویی من مأمورم [و بر طبق میل و خواسته خود] امر می کنم پس باید مردم فرمانم را بپذیرند این روش موجب فساد و خرابی قلب و سست گردیدن دین می شود و تغییر و زوال نعمت‌ها را نزدیک می کند.»

۲- اخلاق بین المللی

منظور از اخلاق بین المللی، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی است که مسلمانان و جامعه اسلامی موظفند در قبال کفار و جوامع غیراسلامی آنها را رعایت نمایند که این جوامع بر دو قسمند:

نخست: جوامعی که حقوق مسلمانان را محترم می‌شمارند و در حال تضاد با جامعه اسلامی نیستند که آنان را «کفار غیر محارب» گویند.

دوم: کفاری که حقوق مسلمانان را محترم نمی‌شمارند و در تضاد با جامعه اسلامی و در فکر نابودی نظام اسلامی و دین اسلام هستند که آنان را «کفار محارب» گویند.^{۲۰}
براین اساس وظایف اخلاقی مسلمانان در اخلاقی بین المللی را می‌توان در دو قلمرو بحث و بررسی نمود:

الف - وظایف اخلاقی مسلمانان در برابر جوامع غیرمسلمان و کافران غیر محارب،
ب- وظایف اخلاقی مسلمانان در برابر جوامع غیرمسلمان و کفار محارب.

الف - وظایف اخلاقی مسلمانان در برابر جوامع غیر مسلمان و کفار غیر محارب

۱- دعوت به اسلام

اولین و مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی در برابر کافران غیر محارب، دعوت به اسلام براساس موعظه، حکمت و مجادله احسن می‌باشد. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:
«با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها، به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن، پروردگارت از هر کسی، بهتر می‌داند که چه کسی از راه او گمراه شده است، و او به هدایت یافتگان داناتر است» (نحل (۱۶)، آیه (۱۲۵)).
و در آیه دیگر می‌فرماید:

«با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند و (به آنها) بگویند: ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آوردیم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم» (عنکبوت (۲۹)، آیه (۴۶)).

۲- حفظ عزت نفس و برتری مسلمانان بر کفار

در اخلاق بین المللی میان مسلمان و غیرمسلمان، باید سیادت اسلام و مسلمانان حفظ و

برتری غیرمسلمان و کفار بر مسلمانان نفی شود که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:
 «خداوند هرگز برای کفار، بر مؤمنان راهی (برای سیادت و برتری) قرار نداده است» (نساء
 (۴)، آیه ۱۴۱).

۳- رعایت عدالت و احترام متقابل

بر اساس اصل عدالت، آن دسته از کفار، حقوقی را که برای مسلمانان محترم می‌شمارند، این انتظار را از مسلمانان دارند که متقابلاً مسلمانان نیز حقوقشان را محترم بشمارند. قرآن کریم می‌فرماید:

«خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد» (ممتحنه (۶۰)، آیه ۸).

۴- خوش رفتاری و پرهیز از بدرفتاری:

هنگامی که جامعه اسلامی و مسلمانان بر جامعه کافر برتری و سیادت یافت، نباید با آنان بدرفتاری داشته باشد و موجب بدنامی اسلام و مسلمانان شود، بلکه باید با رفتار خوب و عادلانه با کفار داشته باشند تا آنان را به سوی اسلام جلب کنند:

«(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند. اینچنین برای هر امتی، عملشان را زینت دادیم، سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (پاداش و کیفر می‌دهد)» (ممتحنه (۶۰)، آیه ۸).

۵- وفای به عهد و پیمان

خداوند در قرآن کریم در باره وفای به عهد و پیمان و اجرای تعهدات تأکید فرموده است:

« مگر افرادی از مشرکین شما با ایشان پیمان بسته‌اید، آنگاه چیزی از پیمان شما نکاستند، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی نکردند، پس پیمانشان را تا پایان به انجام رسانید، همانا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد» (توبه (۹)، آیه ۴).

و در ادامه می‌فرماید:

« پس مادامی که مشرکین بر سر پیمانتان استوار باشند، شما نیز برای آنان استوار مانید» (توبه (۹)، آیه ۷).

ولی اگر به گونه‌ای آثار خیانت در پیمان‌ها و قراردادهای ظاهر شد، و دلایل آن، ثابت گردید در این صورت مسلمانان می‌توانند نقض عهد و پیمان نمایند.
 «و اگر از خیانت گروهی از هم پیمانان خود سخت می‌ترسی، تو نیز با حفظ عدل و راستی

آنان را نقض کن (تا تکلیف خود را با تو بدانند و با وجود خیانت کاری آنان، فریب و خیانتی از طرف توبه آنان نرسد) که خداوند خیانت کاران را دوست ندارد» (انفال (۸)، ۵۸). نکته حایز اهمیت در این آیه این است که می‌فرماید «خداوند خیانت پیشگان را دوست ندارد». برخی از مفسران، معتقدند که «خداوند خیانت را حتی در حق کافران نیز دوست ندارد»^{۲۱}

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مراد از خیانت، نقض عهد و پیمان و امانت و مانند آن است»

ب- وظایف اخلاقی مسلمانان با غیرمسلمانان و کافران محارب

۱- دفاع از خویش:

بی تردید اگر کسی اقدام به جنگ با جامعه اسلامی و تجاوز به حقوق مسلمانان کنند، حق دفاع برای مسلمانان محفوظ است. چنان که خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید. آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم» (نساء (۴)، آیه ۹۱). و در آیه دیگر می‌فرماید:

«به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده؛ اجازه جهاد داده شده است، چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، و خدا بر یاری آنها تواناست» (حج (۲۲)، آیه ۳۹).

۲- احترام به مقدسات

مسلمانان موظفند در حال جنگ به مقدساتی که به طور مشترک برای مسلمانان و غیرمسلمانان، دارای ارزش و احترامند، احترام بگذارند، مانند ماه‌های حرام، مسجد الحرام، کلیساها، کنیسه‌ها و هر مکانی را که برای عبادت خدای متعال اختصاص یافته است: «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است، که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد) این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است، بنابراین در این ماه‌ها به خود ستم نکنید» (توبه (۹)، آیه ۳۶). «با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم) نجنگید؛ مگر این که آنجا با شما بجنگند» (بقره (۲)، آیه ۱۹۱).

۳- عدم تعرض به افراد بی طرف، پیر مردان، پیر زنان، کودکان و...

از آداب و ارزش‌ها در حال جنگ این است که مسلمانان نباید متعرض کسانی باشند که در جنگ بی طرفی خود را اعلام کرده‌اند و یا توانایی جنگیدن ندارند، پیرمردان و پیرزنان و کودکان را باید از عوارض جنگ مصون بدانند و مورد حمله و هجوم خویش

قرار ندهند:

«چرا در راه خدا، و(درراه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تزییف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده ای) که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر ستم‌دیده بیرون ببر؛ واز طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده، واز جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما»(نساء (۴)، آیه ۷۵).

۴- استقامت و پایداری در نبرد

قرآن کریم در آیات متعددی به مسلمانان دستور می‌دهد که در هنگام نبرد با کفار، ثابت قدم باشند و در برابر دشمنان پایدار باشند:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید؛ و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید؛ و نزاع (و کشمکش) نکنید، که سست شوید و قدرت (و شوکت) شما از میان برود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است»(انفال (۸)، آیات ۴۵-۴۶).

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا پرهیزید، شاید رستگار شوید»(آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰).

به همین دلیل است که خدای تعالی در قرآن کریم، به افرادی که در جنگ با کفار، سستی نشان می‌دهند و فرار می‌کنند، مذمت می‌کند:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه رو شدید، به آنها پشت نکنید (فرار نکنید) و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر آن که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم است، چه بدسرانجامی است»(انفال (۸)، آیات ۱۵-۱۶).

۵- پذیرش پیشنهاد صلح

از دیدگاه اسلام و قرآن، جنگ و صلح خود به خود مطلوب نیست و اگر در مواردی قرآن کریم دستور به جنگ می‌دهد، هدف اصلی آن؛ ارشاد دشمن به راه راست می‌باشد تا همگی مسلمان شوند و در صلح و آرامش در کنار هم زندگی کنند. براین اساس قرآن کریم دستور می‌دهد، اگر از سوی کافران، صلح پیشنهاد شد در صورتی که در آن مکر، خدعه و نیرنگ نباشد، با رعایت احتیاط و مراقبت از تمام جوانب، آن را بپذیرند:

« اگر مایل به صلح و سازش شدند، شما نیز آن را بپذیرید » (انفال (۸)، آیه ۶۱).
 ریزه کاری‌ها و ارزش‌های دیگری همانند عدم جواز مسمومیت آب آشامیدنی دشمن،
 تخریب باغستان‌ها، خانه‌ها، مزارع و... وجود دارد که در روایات و کتاب‌های فقهی به آنها
 اشاره شده است.

نتیجه و جمع بندی:

از نظر قرآن کریم اخلاق و سیاست با هم رابطه داشته و سیاست مبتنی بر اخلاق است و
 این رابطه و پیوند آنچنان محکم و قوی است، که می‌توان اسم آن را «سیاست اخلاقی» نامید
 و بر همین مبنا، وظایف اخلاقی متقابل دولتمردان و مردم و وظایف اخلاقی مسلمانان نسبت
 به غیرمسلمانان و کافران را بیان نموده است. در اخلاق سیاسی قرآن کریم؛ مردم موظفند از
 رهبری و دولت اسلامی اطاعت نموده و وحدت و یکپارچگی را حفظ نمایند و او را حمایت
 مالی و سیاسی نمایند و در صحنه‌های مختلف سیاسی شرکت داشته باشند و دولتمردان
 موظفند نسبت به مردم مهربان و امانتدار باشند و با عدالت رفتار نمایند و در اخلاق بین‌المللی،
 نسبت به غیرمسلمانان و کافرانی که در حال جنگ نیستند؛ موظفند براساس برهان، حکمت
 و منطق به اسلام دعوت نمایند، حقوقشان را محترم شمارند و عادلانه و با احسان و نیکی رفتار
 نمایند و نسبت به محارب موظفند از خود دفاع نمایند، متعرض بچه‌ها، پیرمردان و پیرزنان
 نشوند، در جنگ استقامت ورزند و ثابت قدم باشند اگر پیشنهاد صلح دادند بپذیرند و به
 مقدسات مشترک احترام بگذارند و....

- پی نوشت:
- ۱- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان بی تا، ماده خلق
 - ۲- فیض کاشانی، مولی محسن محجۀ البیضاء قم النشر الاسلامی، بی تا، ج ۵، ص ۹۵
 - ۳- همان مدرک
 - ۴- ماکیاولی، نیکولو، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، ص ۱۱۷-۱۱۸
 - ۵- جولیانو پونارا، اخلاق، سیاست، انقلاب، به نقل از شریفی، امیر حسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۳۱۴.
 - ۶- همان.
 - ۷- حسینی شیرازی، سید محمد، دنیا بازیچه یهود، اصفهان، نشر حجت، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵.
 - ۸- ابن منظور لسان العرب، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق ماده بیع، راغب اصفهانی مفردات ماده بیع
 - ۹- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۳، نامه ۵۰
 - ۱۰- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۶۳، ص ۴
 - ۱۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۳۴۰، ج ۲۴، ص ۲۴۶
 - ۱۲- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۵
 - ۱۳- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۵۳.
 - ۱۴- نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۷۷
 - ۱۵- حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۱۸
 - ۱۶- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۴۶
 - ۱۷- شیخ صدوق، امالی، ص ۲۴۲ و مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۱۴
 - ۱۸- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳۶
 - ۱۹- همان، نامه ۵۳
 - ۲۰- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱۳
 - ۲۱- الرازی مشهور بالجصاص ابی بکر احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۶۷
- منابع:
- ۱- قرآن کریم
 - ۲- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۳
 - ۳- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۶۳
 - ۴- ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، انتشارات بیدار، ۱۴۲۲ ق
 - ۵- ابن منظور، لسان العرب، بی تا، نشر ادب الحوزه، ط الاول، ۱۴۰۵ ق
 - ۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم
- و در الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶
- ۷- جباران، محمدرضا درس نامه علم اخلاق، قم، نشر هاجر، ۱۳۸۳.
 - ۸- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تهران، مؤسسه اسماعیلیان بی تا
 - ۹- رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴
 - ۱۰- دراز، عبدالله، دستورالاخلاق فی القرآن الکریم، ترجمه عبدالصبور شاهین، چاپ هفتم، بیروت، دار البحوث العلمیه، ۱۴۰۸ هـ.
 - ۱۱- شبّر، سید عبدالله، اخلاق، ترجمه محمدرضا جباران، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۰
 - ۱۲- شریفی، احمد حسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴
 - ۱۳- شیرازی، سید محمد، دنیا بازیچه یهود، ترجمه سید هادی مدرسی، نشر حجت، اصفهان، ۱۳۷۸
 - ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا
 - ۱۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المر تضویه، ۱۳۶۲
 - ۱۶- فیض کاشانی، ملا محسن، محجۀ البیضاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی، بی تا
 - ۱۷- قربان نیا، ناصر، اخلاق و حقوق بین الملل، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۸
 - ۱۸- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دارالکتب، ۱۴۰۴ ق
 - ۱۹- کلاتری، علی اکبر، اخلاق زندگی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵
 - ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ش
 - ۲۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳
 - ۲۲- مشکینی، علی، درس های اخلاق، ترجمه علی رضا فیض، چاپ سوم، قم، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۲
 - ۲۳- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷
 - ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۷
 - ۲۵- مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۷
 - ۲۶- مهدوی کتی، محمد رضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳
 - ۲۷- نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ هـ
 - ۲۸- ملا احمد نراقی، معراج السعادات، تهران، رشیدی، ۱۳۶۱ ش -
 - ۲۹- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ق
 - ۳۰- ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ترجمه محمد رضا عطائی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹.